



بررسی و تحلیل درون‌مایه‌های اشعار رضوی

شاعران معاصر عرب

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۰

حسین مهدی^۱

چکیده

ادبیات متعهد یا «الأدب الملتزم» همواره مورد توجه شاعران معاصر عرب بوده است. یکی از موضوعاتی که شاعران معاصر عرب در اشعار خود به آن پرداخته‌اند اشعار رضوی است. شاعران روحانی معاصر عرب اهل بیت (علیهم‌السلام)، خود را به بیان حقایق و نشر فضایل این خاندان پاک موظف می‌دانند و در ایفای این رسالت، نهایت توان خود را به کار بسته‌اند و با معرفی نقش پیشوایی و طلایه‌دارانه امام رضا (علیه‌السلام) در میان مردم و بیان مظلومیت و ستمی که بر ایشان رفته بود، بهترین استفاده‌ها را از هنر شعر برده‌اند. درون‌مایه‌های اشعار رضوی این شاعران به دو قسمت مدایح و مرثیه‌ها تقسیم می‌شود. مدایح رضوی مدایحی صادقانه و برآمده از عواطف و به دور از تکسب است و به موضوعاتی مانند جنبه‌های معنوی امام رضا (علیه‌السلام)، توسل و موضوع زیارت می‌پردازد و از پرداختن به توصیفات ظاهری امام رضا (علیه‌السلام) در این اشعار اجتناب شده و همچنین مرثیه‌های آنان نیز اشعاری بدون تکلف است. در مرثیه‌ها نیز موضوعاتی مانند چگونگی شهادت آن حضرت و بیان خیانت‌های مأمون و غربت امام رضا (علیه‌السلام) توجه شاعران را به خود جلب کرده است. شاعران معاصر عرب برای بیان این اغراض از عناصر طبیعی همچون ستارگان، خورشید، دریا و صور بلاغی همچون تشبیه و استعاره و تضاد بهره می‌برند؛ همچنین از حوادث و رویدادهای تاریخی کمک می‌گیرند. از ویژگی‌های مهم اشعار رضوی اقتباس از آیات قرآن کریم و روایات است و این که مدایح و مرثیه‌های این شاعران برخلاف دیگر شاعران به دور از نسیب و غزل است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه‌السلام)، ادبیات متعهد، شعر معاصر عرب، شعر رضوی، مدح و رثا.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس: mohtadi@pgu.ac.ir

۱. مقدمه

اشعاری که دربارهٔ اهل بیت (علیهم‌السلام) سروده شده است در ادب فارسی در زمرهٔ «ادبیات متعهد» و در ادب عربی نیز در «الأدب الملتزم» قرار دارد. «شعر دینی به طور عام و مدایح مذهبی به طور خاص، تأثیری شگرف و قابل اعتنا در روح و جان مخاطبان حقیقی شعر گزارده و وسیله‌ای بوده است برای ترویج اعتقادات و مفاهیم والای انسانی و ایمانی، به‌طوری‌که اثری که اشعار تعلیمی، دینی، اخلاقی و اجتماعی در اذهان مستعد دارند، نمی‌توان انکار کرد؛ همین نکته است که سرّ پیدایش این گونه اشعار را توجیه کرده و توسعه آن‌ها را ناگزیر می‌ساخته است» (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۱۳). از همین رو مدح و رثای اهل بیت همواره مورد توجه شاعران بوده است و با زبان هنرمندانه خود اشعار زیادی را در این باره سروده‌اند. در این میان امام رضا (علیه‌السلام) از آن‌جا که با فشار مأمون مجبور به هجرت از سرزمین آبا و اجدادی خود در مدینه به خراسان شد و به «غریب الغرباء» شهرت یافته، مورد توجه شاعران عرب گردیده است. شاعران معاصر عرب نیز که برای زیارت آن امام رئوف به مشهد مشرف می‌شدند با دیدن انبوه زائران آن حضرت زبان به مدح و رثایش می‌گشودند و با بیان مناقب آن حضرت، سعی در زنده نگه داشتن یاد او داشتند. از آن‌جا که دورهٔ نهضت شعر عرب از حمله فرانسه به مصر در سال ۱۲۱۳ قمری شروع می‌شود و تاکنون نیز ادامه دارد، نگارنده نیز در این مقاله فقط اشعار شاعران این دوره را بررسی کرده است. جستار حاضر تلاش می‌کند، مدایح و مرثیه‌های شاعران معاصر عرب را که در ستایش و سوگ امام رضا (علیه‌السلام) سروده‌اند، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و استقرایی بررسی کند.

۲. سؤالات تحقیق

نگارنده در این مقاله برآن است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. مهم‌ترین درون‌مایه‌های اشعار رضوی در شعر شاعران معاصر عرب چیست؟

۲. مدایح و مرثیه‌های شاعران رضوی چه تفاوتی با دیگر شاعران دارد؟

۳. شاعران معاصر عرب در توسلات خود چه درخواست‌هایی از امام رضا علیه السلام داشته‌اند؟

۳. پیشینه تحقیق

با تحقیق در منابع متعدد، به آثاری درباره اشعار رضوی دست یافتیم که عبارتند از:

۱. چناری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «سیمای امام رضا علیه السلام در آینه شعر دعبل خزاعی و نظیری نیشابوری» به بررسی تطبیقی سیمای امام رضا علیه السلام در شعر شاعر عرب یعنی دعبل خزاعی شاعر دوره اول عباسی و شاعری فارسی زبان یعنی نظیری نیشابوری (متوفی ۱۰۲۱ ق) پرداخته‌اند و هیچ اشاره‌ای به شعر شاعران معاصر عرب نکرده‌اند؛ ۲. فلاح (۱۳۹۰) در مقاله کوتاه خود با عنوان «سیمای امام رضا علیه السلام در اشعار شعرای شیعی معاصرش» هیچ اشاره‌ای به اشعار شاعران معاصر عرب نکرده است؛ ۳. شهرکی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «خوانش رابطه بینامتنی شعر رضوی معاصر و قرآن» به بررسی روابط بینامتنی شعر رضوی در اشعار شاعران معاصر فارسی و قرآن کریم پرداخته‌اند؛ ۴. یلمه‌ها و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تطبیقی مدایح رضوی در شعر عربی و فارسی از ابتدا تا پایان قرن دهم» به بررسی تطبیقی مدایح رضوی در شعر عربی و فارسی از ابتدا تا پایان قرن دهم پرداخته‌اند و هیچ اشاره‌ای به شاعران معاصر عرب نکرده‌اند؛ همان‌طور که مشخص شد از آن‌جا که این مقالات به بررسی مدح و رشای امام رضا علیه السلام در شعر شاعران معاصر عرب نپرداخته‌اند؛ به همین خاطر ضرورت ایجاب می‌کند که پژوهشی مستقل درباره مدح و رشای امام رضا علیه السلام در شعر شاعران معاصر عرب انجام گیرد؛ بنابراین این مقاله در نوع خود نخستین اثری است که در این زمینه نگاشته می‌شود.

۴. چارچوب نظری پژوهش

اشعار رضوی را با توجه به موضوع آن به دو دسته مدح و رثا می‌توان تقسیم کرد. مدح به معنی ستایش کردن و ستودن خصلت‌ها و صفات نیک کسی است و «شعر مدحی ستایشی است که شاعر از ممدوح خود می‌کند و ضمن آن سجایای اخلاقی وی را برمی‌شمرد و از رفتار و موفقیت‌های او تمجید می‌کند و زبان به بزرگداشت او می‌گشاید» (رزمجو، ۱۳۷۴: ۳۹) شعر مدحی به دو دسته مدح تکسبی و مدح صادقانه تقسیم می‌شود. شاعر در مدح تکسبی به دنبال گرفتن صله و پول از ممدوح است مانند اشعاری که در مدح پادشاهان سروده می‌شود؛ ولی در مدح صادقانه اشعار برآمده از احساس و عاطفه صادقانه شاعر نسبت به ممدوح خود است که مدایح شاعران رضوی نیز این‌گونه است. «رثا در شعر عربی به بیان شرایط روحی، ابراز تحسّر و ناراحتی بر مرده، گریه بر فضایل و مناقب وی برای به‌تصویر کشیدن احساسات درونی او در برابر مرگ، اطلاق می‌شود» (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۸). رثا باید ساده و برآمده از احساسات شاعر باشد. «در رثا قلب و فکر شاعر تحت تأثیر حادثه قرار گرفته، جوشش احساسات لطیف و خالص در درون او گره از زبانش می‌گشاید و شعری برخاسته از عمق جان که بازتاب غم و اندوه اوست، بر زبانش جاری می‌شد. این بدان معناست که شاعر در مرثیه از هرگونه بازی با کلمات و صنعت‌پردازی‌های متکلفانه به دور است» (همان: ۴۰)، زرین‌کوب در این باره می‌گوید: «زبان در مرثیه باید ساده باشد و بی‌تکلف، از آن رو که تکلف و صنعت به طبیعی بودن احساسی که مضمون مرثیه است، لطمه می‌زند. اهمیت این نکته تا جایی است که این بی‌تکلفی اگر به سنت‌های قدیم ادبی هم لطمه وارد آورد، باک نیست، به شرط آن که تأثیرش را در نفوس قوی‌تر کرده باشد» (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۱۴۴).

مدایح شاعران ادبیات متعهد مدایحی صادقانه و رثای آنان نیز بدون بدون تکلف و برآمده از احساسات صادقانه آنان است و برخلاف شاعران دیگر که مدایح و رثاهای خود را عموماً با نسیب و غزل آغاز می‌کنند این دسته از شاعران از آوردن نسیب در مقدمه اشعار خود اجتناب می‌کنند. حال به بررسی درون‌مایه‌های اشعار رضوی شاعران معاصر عرب می‌پردازیم.

۵. مدایح رضوی شاعران معاصر عرب

مدایح رضوی شاعران معاصر عرب از نوع مدایح صادقانه و برآمده از عواطف و احساسات شاعران است و شامل بررسی شخصیت معنوی امام رضا (علیه السلام) و توسل و موضوع زیارت است. شاعران معاصر عرب در هر یک از این موضوعات ارادت قلبی خود را به آن حضرت با زبانی ادیبانه به تصویر می‌کشند.

۵-۱. شخصیت معنوی امام رضا (علیه السلام)

شاعران معاصر عرب ضمن اشاره به ناتوانی عقل بشری برای درک مقام امام رضا (علیه السلام) در بیان شخصیت معنوی آن حضرت به نسب پاک ایشان، بخش و کرم، مظهر حق تعالی، مخزن اسرار الهی، امامت ایشان و ... اشاره می‌کنند.

عبد الصمد بن محمد باقر الخامنئی (متوفی ۱۳۱۱ ق) درباره شخصیت معنوی امام رضا (علیه السلام) چنین می‌سراید:

۱. أبا حسنٍ فی ذاتكَ العقلُ حیرانُ

فیا لیتَ شعری ما لوصفِكَ عنوانُ

۲. لَعَمْرُكَ إِنِّی فی ثنائِكَ عاجزُ

وها أنا أقوى الناسِ قولًا ولسانُ

۳. غَدوتَ لذاتِ الواجبِ الحقَّ مظهرًا

فما سرَّ أن یحوی وجودَكَ أَمكانُ

۴. علی الملائِ القدسی فُضِّلْتُموا وها

لشیعتِکُم فُضِّلَ علیهم وُرُجحانُ

۵. وَأَرَاكُمْ نُورٌ بَسِيطٌ حَقِيقَةٌ

تُشَخَّصُ مِنْكُمْ لِلتَّمَاثُزِ أَبْدَانُ

۶. وَصِيَّتُكَ التَّقْوَى وَشِيمَتُكَ الْهُدَى

وَعَادَتُكَ الْجَدْوَى وَفَعْلُكَ إِحْسَانُ

۷. وَفِيضُكَ مَا الْغَبْرَاءُ مِيدَانُ جَرِيهِ

لَهُ عَرَصَةٌ خَضْرَاءُ مَجْرَى وَمِيدَانُ

(الخامنئی، ۱۴۱۴ ق: ۵-۴۴)

۱. ای ابا الحسن عقل از درک کنه ذات تو سرگردان است، ای کاش می دانستم وصف تو چه عنوانی دارد؛ ۲. به جانت سوگند که من از ثنای تو عاجز هستم؛ درحالی که من از نظر سخن و زبان از همه مردم تواناتر هستم؛ ۳. توبه مظهر ذات خدا تبدیل شده ای پس چه سزای است که مکان ها وجودت را در برگرفته اند؛ ۴. بر ملا قدسی برتری یافته اید و اینچنین شیعه شما بر آنان فضل و برتری دارند؛ ۵. روح های شما حقیقتاً نور روشنی است که از نور شما بدن ها از یکدیگر تشخیص داده می شود؛ ۶. سفارش تو تقوی است و خلق و خوی تو هدایت است و عادت تو بخشش است و کار تو نیکی کردن است؛ ۷. زمین میدان مسابقه برای فضل تو نیست؛ بلکه آسمان ها میدان هموردی توست.

از نگاه شاعر، امام رضا (علیه السلام) از چنان مقامی برخوردار است که عقل از درک آن عاجز است. شاعر امام رضا (علیه السلام) را مظهر ذات حق تعالی می داند و از نگاه او اهل بیت نور حقیقی هستند. شاعر تقوی و هدایت و بخشش و نیکی را از مهم ترین خصال معنوی آن حضرت می داند و معتقد است که آن حضرت چنان بخشنده است که ایشان را با آدمیان نمی توان مقایسه کرد؛ بلکه شایسته است با افلاکیان مقایسه شوند. یکی از ویژگی های امام رضا (علیه السلام) بخشش ایشان است. حضرت در این باره می فرماید: «دارنده نعمت، در آزمون بزرگی است؛ زیرا خدا حقوق خود را در نعمتی که به او داده واجب ساخته و به خدا سوگند

نعمت‌هایی از خداوند عز و جلّ نزد من است و من پیوسته از این بابت بیمناکم تا آن‌گاه که حقوقی را که خداوند بر من واجب ساخته است ادا کرده باشم» (فضل الله، ۱۳۷۷: ۴۶) بیت سوم به نکته فلسفی بسیار زیبایی اشاره می‌کند، شاعر در این بیت بیان می‌کند: در عجبم تو که تجلی و مظهر خدای لا مکان هستی چگونه در مکانی و مکان تو را در برگرفته است، گویا نامحدود و نامتناهی در متناهی حلول کرده و جای گرفته است.

الجِشِّي القطيفي (متوفی ۱۳۷۶ ق) نیز در این باره می‌سراید:

۱. للرضا في العلا مقامٌ عظيمٌ

طائرُ الفكرِ حوله لا يحومُ

۲. ورثَ المجدَ من أبٍ بعد جدٍّ

ونَمَاه بعدَ الكريمِ كريمٌ

۳. زينةٌ في سماءِ المعالي تجلّوا

مثل ما زانت السماء النجومُ

(الجِشِّي القطيفي، ۲۰۰۳ م: ۳۱۲)

۱. رضا در بزرگواری مقامی بزرگ دارد و پرندۀ فکر در اطراف او نمی‌چرخد؛ ۲. مجد را از پدری بعد از جدی به ارث برد و نسبش بعد از کریم، کریم است؛ ۳. زینتی در آسمان بلند درخشید همان‌طور که ستارگان آسمان را زینت دادند.

الجِشِّي نیز همچون عبد الصمد الخامنئي مقام امام رضا (علیه السلام) را فراتر از درک عقل بشری می‌داند. او نیز به جایگاه خانوادگی آن حضرت اشاره و بیان می‌کند که امام بزرگی را از اجداد کریمش به ارث برده‌اند. شاعر در ادامه از صنعت تشبیه بهره می‌برد امام را به ستارگانی تشبیه می‌کند که باعث نورانی شدن آسمان می‌شوند. همان‌طور که نور ستارگان به همه مردم می‌رسد، امام نیز مایه رحمت برای همه مردم است. شاعر در

ادامه می‌سراید:

۱. ظهرت فيك آيةُ الرَّحْمَنِ

فَسَرَتْ فِي عَوَالِمِ الْإِمْكَانِ

۲. عَالَمًا إِثْرَ عَالَمٍ فِيهِ قَدْ قَمَّتْ

إِمَامًا تَدْعُو إِلَى الْإِيمَانِ

۳. فَشُقِّي مَنْ شُقِّي بِانْكَارِهِ الْأَمْرَ

وَفَارَ السَّعِيدُ بِالْإِذْعَانِ

۴. أَنْتَ بَابُ الْإِلَهِ فِي الْخَلْقِ مَنْ لَمْ

يَأْتِهِ مِنْهُ آبٌ بِالْحَرَمَانِ

(همان: ۳۱۲)

۱. نشانه‌ی خدای رحمان در تو آشکار و این نشانه‌ی خدا در سراسر هستی منتشر شد؛
۲. عالمی بعد از عالمی که تو در آن به عنوان امام برخاستی در حالی که به سوی ایمان دعوت می‌کنی؛ ۳. پس کسی که گرفتار انکار دستور او شد بدبخت است و کسی که اذعان به امامت او کند پیروز و خوشبخت است؛ ۴. تو در خدا در میان خلق هستی هرکس از آن وارد نشود با محرومیت برگشت.

شاعر امام رضا (علیه السلام) را آیت و نشانه‌ی خدای متعال در روی زمین می‌داند؛ به همین خاطر او را امامی می‌داند که مردم را به ایمان به خدا دعوت می‌کند او معتقد است که هرکس منکر امامت آن حضرت باشد بدبخت و زیان دیده است و هرکس اذعان به امامت آن حضرت داشته باشد رستگار می‌شود. او معتقد است که شرط پذیرش توحید در گرو پذیرش امامت ائمه است؛ به همین خاطر امام را در ورود به توحید می‌داند که هرکس از پذیرش امامت امام سرباز زند ناامید و محروم می‌شود. بیت آخر اشاره به این حدیث

دارد که امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ قَالَهَا دَخَلَ حِصْنِي وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي لَكِنْ بِشَرْطِهَا وَشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۳۵) خدا می‌گوید گفتن «لا اله الا الله» دژ جاودانی من است و هرکس آن را بگوید وارد دژ من می‌گردد و هرکس وارد دژ من شد از عذاب من ایمن می‌گردد؛ ولی به شرطی و شروطی که من از شروط آن هستم. «اقرار به توحید در صورتی ایمن بخش و نجات آفرین است که دیگر شرایط به آن ضمیمه گردد و یکی از شرایط، آن است که بشر از حکومت معصوم کنار نرود و حکومت معصوم را کاملاً بپذیرد و در حقیقت، امام مسئله ولایت و حکومت معصوم را تکمیل کننده توحید می‌داند؛ زیرا در غیر این صورت حکومت طاغوت‌ها سبب می‌شود که همان توحید نیز از میان برو» (سبحانی، بی‌تا: ۱۸۵).

احمد الوائلی (متوفی ۱۴۲۴ ق) نیز به عظمت اجداد امام رضا (علیه السلام) اشاره می‌کند و در این زمینه می‌سراید:

۱. یا بن أصلاب من أعزّ رجال

و ابن أرحام من أعفّ نساء

۲. یا بن بیت به هابط جبریل

ومحارب سید الأنبياء

(الوائلی، ۲۰۰۷ م: ۱۵۳)

۱. ای پسر صلب‌های قوی‌ترین مردان و ای پسر رحم‌های عفیف‌ترین زنان؛ ۲. ای پسر خانه‌ای که جبرئیل در آن فرود آمد و محراب سرور پیامبران است.

شاعر در این ابیات به خانواده‌ای که امام رضا (علیه السلام) در آن پرورش یافته است و به عظمت و پاکی اجداد پدری و مادری آن حضرت اشاره می‌کند و اجداد او را بهترین مردان و بهترین زنان می‌داند. در زیارت اربعین و زیارت وارث نیز به این موضوع اشاره شده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۱۳) در بیت

دوم شاعر اشاره دارد که امام رضا علیه السلام در خانواده‌ای پرورش یافته است که جبرئیل در آن نازل شده و خاتم پیامبران در آن نماز گزارده است.

شیخ علی بن شیخ حسن البلاذی البحرانی القدیحی القطیفی (متوفی ۱۳۴۰ ق) در توصیف خصال امام رضا علیه السلام به پاکی آن حضرت از هر گونه آلودگی اشاره می‌کند و در این باره می‌سراید:

۱. فَإِنَّهُ مِنْ كَرَامِ طَاهِرِينَ لَقَدْ

صَفَا ذَوَاتَهُمُ الْبَارِي وَزَكَاهَا

۲. وَأَذْهَبَ الرَّجْسَ عَنْهُمْ لَا يَلْمُ بِهِمْ

عَيْبٌ وَنَقْصٌ وَحَاشَاهُ وَحَاشَاهَا

۳. وَإِنَّهُمْ فَلَكَ نُوحٌ فَازَ رَاكِبَهَا

وَخَابَ تَارِكُهَا وَالنَّازِ بِصَلَاهَا

(الخَفَاف، ۱۴۳۱ ق: ۹۵)

۱. او از گرامی‌ترین پاکان است خداوند ذاتشان را پاک گردانیده است؛ ۲. ناپاکی را از آنان برده است و هرگز هیچ عیب و نقصی به آنان نمی‌رسد؛ ۳. آنان همچون کشتی نوح هستند که هر کس سوار آن شود رستگار می‌شود و هر کس آن را ترک کند ناامید و وارد آتش می‌شود.

شاعر در بیت اول و دوم بر پاکی امام رضا علیه السلام و ائمه اطهار تأکید می‌کند و آنان را از هر پلیدی پاک و مبرا می‌داند و عبارت «أَذْهَبَ الرَّجْسَ عَنْهُمْ» اشاره به این آیه قرآن دارد: «إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳) و بیت آخر نیز به این حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد که می‌فرماید: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَّى، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲).

(۲۷)؛ مَثَل اهل بیت من در میان شما مانند کشتی نوح است، هر کس به این کشتی داخل شود نجات می‌یابد و هر کس از آن جا بماند، غرق می‌شود.

۵-۱-۱. استفاده از عناصر طبیعی برای توصیف مناقب امام رضا (علیه السلام)

ملا حسن بن الشیخ آل ماجد (متوفی ۱۴۰۳ ق) برای بیان مناقب امام رضا (علیه السلام) از عناصر طبیعی استفاده می‌کند:

۱. خراسان أضحت جنة الخلد إذ ثَوَى

بها مَنْ سما للفرقدین بسوّد

۲. علی الرضا طود النهی سید الوزی

بنور هدهاه أضحت الخلق تهتدی

(ابن الشیخ آل ماجد، ۲۰۰۲ م: ۲۹۱)

۱. هنگامی که کسی که بر فرقدان (دو کوکب درخشان در دَبّ اصغر) برتری دارد در خراسان دفن شد آن جا به بهشت تبدیل شد؛ ۲. امام رضا (علیه السلام) کوه خرد و سرور مردم است و با نور هدایتش مردم هدایت می‌شوند.

در این ابیات شاعر برای بیان عظمت و برتری امام رضا (علیه السلام) از دو عنصر طبیعی (الفرقدین) و (طود) بهره می‌گیرد. شاعر امام را برتر از دو کوکب درخشان فرقدان معرفی می‌کند که با دفن شدن او در خراسان آن سرزمین به بهشت تبدیل شده است. ایشان کوه خرد و سرور مردم است که با نورش مردم هدایت می‌شوند. مقصود از «طود النهی» کثرت و بزرگی عقل آن حضرت است.

سید حیدر حلی (۱۳۰۴ ق) برای این که به بخشندگی زیاد امام اشاره کند از عناصر طبیعی کمک می‌گیرد و می‌سراید:

وَاسْتَقْلَّ الْبَحُورَ جُودًا فَأَجَزَى

مِنْ أَسَارِيرٍ رَاحَتِيهِ بُحُورًا

(الحلی، ۲۰۱۱ م: ۲۴۱)

دریاها را از نظر بخشش اندک به حساب آورده است پس دریاهاى [بخشش] را از میان خطوط دستانش جاری کرد.

شاعر در این بیت بخشندگی امام را از دریاها بیشتر می داند؛ به طوری که دریاهاى بخشش از انگشتان دستان او جاری می گردد.

پربسامدترین واژه های مربوط به شخصیت معنوی امام رضا (علیه السلام) در اشعار شاعران معاصر عرب

العقلُ حیرانُ	النورِ الإلهی	الواجِبُ الحَقُّ	المأی الْقُدْسِی	فُضِّلْتُمَا	التقوی	الهُدَى	الْجَدْوَى
إِحْسَانُ	فِيضُكَ	أَرْوَاحُكُمْ نُورٌ	خَزَانَةُ أَسْرَارٍ	بِرْهَانُ	إِمَامًا	هَابِطُ جَبْرِيلُ	سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ
مَقَامٌ عَظِيمٌ	الكَرِيمِ	زِينَةُ	آيَةُ الرَّحْمَنِ	فَازٌ	شَقِي	بَابُ الْإِلَهِ	الْحَرَمَانِ
حِجَّةُ اللَّهِ	مَوْلَى الْبَرَايَا	سَيِّدُ الْكَائِنَاتِ	مَظْهَرُ الْإِيمَانِ	بَابُ الرَّجَا	مَبْدَأُ الْفَيْضِ	مَلِكُ الدَّارَيْنِ	عَلَّةُ الْإِيجَادِ
جَنَّةُ الْخُلْدِ	سَيِّدُ الْوَزَى	طُودُ النِّهَى	هَادِي الْأَنَامِ	إِمَامُ الْوَرَى	رَبُّ التَّقَى	بَحْرُ الْعِلْمِ	بَحْرُ الْحِلْمِ
بَحْرُ الْحِجَى	تَهْدِي	بَحْرُ الْعَطَايَا	بَحْرُ النَّدَى	خَابُ	بَحْرُ الْمَوَاهِبِ	سِرَاةُ أَمَاجِدِ	النَّجُومِ الثَّوَابِقِ
أَزْكَى قَرِيشٍ	خَيْرِ الْعَرَبِ	وَصَى الرَّسُولِ	سَلِيلُ الْمَعَالِي	أَشْرَفُ الْعَالَمِينَ	رَفِيعُ الْحَسَبِ	حَمِيدُ السَّجَايَا	نُورُ عَيْنِ الرَّسُولِ
كَرَامِ طَاهَرِينَ	صَفَا	أَذْهَبَ	الرَّجَسِ	عَيْبِ	نَقْصِ	فَلَكَ نُوحِ	شَرِيفِ النَّسَبِ
أَشْرَقَتْ	شَمْسُ	لَا تَغِيبُ	فَازُ				

۵-۲. توسل

در کتاب «العين» درباره معنای توسل چنین آمده است: «وَسَلْتُ إِلَى رَبِّي وَسِيلَةَ أَى عَمَلْتُ عَمَلًا أَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْهِ وَتَوَسَّلْتُ إِلَى فَلَانٍ بَكْتَابٍ أَوْ قَرَابَةِ أَى تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْهِ» (العين، ۱۴۰۹ ق: ذیل ریشه و س ل) به سوی پروردگارم وسیله‌ای جستم یعنی عملی را انجام دادم که با آن به او تَقَرَّب جستم و نزدیک شدم. وقتی می‌گویم: به فلانی با کتابی یا به سبب خویشاوندی توسل پیدا کردم، یعنی به آن وسیله به او نزدیک شدم و تَقَرَّب یافتیم؛ «بنابراین، توسل به معنای استفاده از چیزی برای تَقَرَّب به دیگری است و توسل به پروردگار نیز به معنای استفاده از اموری مشروع برای تَقَرَّب به پروردگار است که با انجام کارهای نیک به او تَقَرَّب می‌جوئیم؛ اما توسل به اولیای الهی به معنای شفیع قرار دادن آن‌ها نزد خداست، در واقع ماهیت توسل با ماهیت [طلب] شفاعت یکی است ... آن‌ها (اولیای الهی) در پیشگاه خدا برای کسی که به آن‌ها متوسل شده، شفاعت می‌کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۳) ابن حَبَّان از دانشمندان اهل سنت و عالم رجالی معروف می‌نویسد: «قبر علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در طوس کنار قبر هارون الرشید قرار گرفته و زیارتگاه معروفی است و من مکرر آن را زیارت کرده‌ام؛ سپس می‌افزاید: «در مدتی که من در طوس ساکن بودم، هر گاه مشکلی برایم پیش می‌آمد، قبر علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را زیارت می‌کردم و (به برکت زیارت آن حضرت) رفع مشکلم را از خداوند طلب می‌کردم که در اسرع وقت خواسته‌ام به اجابت می‌رسید و گرفتاریم برطرف می‌شد؛ من این مسئله را بارها تجربه کرده‌ام» در پایان می‌گوید: «أَمَّا اللَّهُ عَلَى مَحَبَّةِ الْمُصْطَفَى وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ» (ابن حَبَّان، ۱۳۹۳ ق، ج ۸: ۴۵۷) خداوند ما را با محبت مصطفی و خاندانش که درود خدا و سلامش بر آنان باد، بمیراند. یکی از درون‌مایه‌های شعر رضوی، توسل به امام رضا (علیه السلام) و شفاعت خواستن از وی برای روز قیامت است؛ چراکه برآوردن حاجات و نیازمندان از الطاف ائمه اطهار بوده است؛ به همین خاطر شاعران معاصر در توسل‌های خود برای خواسته‌های مادی و معنوی، امام رضا (علیه السلام) را واسطه میان خود و خدای متعال قرار می‌دهند.

گاهی اوقات شاعران برای اغراض مادی به امام رضا (علیه السلام) متوسل می‌شوند؛ همان‌طور

که احمد الوائلی (متوفی ۱۴۲۴ ق) در توسلات خود شفای بیماری و غرق شدن در نعمت را از امام رضا علیه السلام طلب می کند:

۱. حَمَلْتَنِي الْأَمَالَ نَحْوَكُ أَرْجُو

أَنْ تُزَادَ الصَّرَاءَ بِالْصَّرَاءِ

۲. مُدَّ كَفِّكَ يَا بِنَ فَاطِمَ وَامْسَحْ

عَنْقِي بِالشِّفَاءِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ

۳. وَتُكُنْ هَذِهِ يَدٌ مِنْ أَيَادٍ

عَمَرْتَنِي بِالْفَضْلِ وَالْأَلَاءِ

(الوائلی: ۲۰۰۷م: ۱۵۳)

۱. آرزوها مرا به سمت تو کشاند امیدوارم که با راحتی سختی دفع شود؛ ۲. ای پسر فاطمه دستت را دراز کن و گردنم را لمس کن و مرا از هر دردی شفا ده؛ ۳. و این دست باید از دستانی باشد که با بخشش و نعمت ها مرا می پوشاند.

شاعر در این ابیات بیان می کند که او برای برآورده شدن آرزوهایش به امام رضا علیه السلام متوسل می شود و از آن حضرت می خواهد تا هم بیماری های او را شفا دهد و هم او را غرق در نعمت کند. از پیامبر روایت شده است: «سَتُدْفَنُ بَصْعَةً مَنِّي بِأَرْضِ خِرَاسَانَ مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَّسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴: ۵۵۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۵۸) به زودی پاره تن من در سرزمین خراسان دفن خواهد شد هیچ گرفتاری آن را زیارت نخواهد کرد؛ مگر این که خدا گرفتاری او را برطرف می کند. شاعر برای این که بتواند رضایت آن حضرت را بیشتر به خود جلب کند ایشان را با نام جده اش حضرت زهرا علیها السلام خطاب قرار می دهد (یا بن فاطمه). شاعر از آن جا به جایگاه و مقام والای امام رضا علیه السلام آگاه است؛ به همین خاطر در توسل خود به آن حضرت نیز شفای نه تنها یک بیماری بلکه شفای همه بیماری های خود را می خواهد (کُلِّ داء) و همچنین فعل «عَمَرْتَنِي» دلالت بر این دارد که شاعر از امام

رضا علیه السلام می‌خواهد تا او را غرق در بخشش و نعمت‌ها کند.

شاعران در توسل‌های خود به خاک امام رضا علیه السلام نیز متوسل می‌شوند. شیخ سلمان بن احمد البحرانی (متوفی ۱۳۰۷ ق) در اشعار خود توصیه به بوسیدن خاک امام رضا علیه السلام برای تبرک می‌کند:

الشم الأرض بالشفاء ولا تخـ

ش بلثم الأعتاب ضراً وبؤسا

(البلادی البحرانی، ۱۴۲۴ ق: ۴۲۹)

این زمین (خاک امام رضا علیه السلام) را با لب‌ها ببوس و با بوسیدن آستانه‌ها از ضرر و بدبختی نترس.

شیخ احمد بن خلف آل عصفور (متولد ۱۳۴۵ ق) نیز درباره بوسیدن خاک امام رضا علیه السلام می‌سراید:

لثمتُ ثراكَ عندما بانَ يبرقُ

يرفرقُ من بُعدٍ على القبةِ النورا

(آل عصفور، ۲۰۰۷ م: ۲۵)

هنگامی که پرچمی آشکار شد که از دور بر گنبد نورانی به اهتزاز درمی‌آمد، خاکت را بوسیدم.

البحرانی و آل عصفور در اشعار خود بوسیدن خاک بارگاه امام رضا علیه السلام را مایه شفای خود می‌دانند و البحرانی بیان می‌کند که در این زمینه نباید از سرزنش منکران این بوسیدن ترسید (لا تخش).

گاه شاعران در توسلات خود به امام رضا علیه السلام خواسته‌های معنوی دارند. آل عصفور در

اشعار خود برای رهایی از آتش جهنم به امام رضا علیه السلام متوسل می‌شود:

۱. قَصَدْتُ الرِّضَا مُثْقَلًا بِالذَّنُوبِ

أُرِيدُ الْفِرَازَ مِنَ الْهَالَوِيَّةِ

(همان: ۳۰)

۱. با بار سنگین گناه قصد امام رضا علیه السلام کردم و رهایی از آتش جهنم را از او می‌خواهم.

شاعر در این جا به امام رضا علیه السلام متوسل شده است و از او درخواست می‌کند برایش طلب مغفرت کند تا از آتش جهنم نجات یابد امام صادق علیه السلام نیز در همین زمینه به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «سَتُدْفَنُ بَضْعَةً مِّنْیَ بَارِضِ خِرَاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أُوجِبَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لَهُ الْجَنَّةُ وَ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۵۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴: ۵۵۵) به زودی پاره تن من در سرزمین خراسان دفن خواهد شد، هیچ مومنی او را زیارت نمی‌کند، مگر آن که خدای عزوجل بهشت را بر او واجب و جسدش را بر آتش حرام می‌گرداند. امام جواد علیه السلام نیز می‌فرماید: «إِنَّ بَيْنَ جَبَلَى طُوسَ قَبْضَةَ قَبِضَتِ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْ دَخَلَهَا كَانِ آمَنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۵۶) میان دو کوه طوس مشتکی از خاک بهشت نهاده شده است، هر که داخل آن شود، روز قیامت از آتش در امان خواهد بود؛ همچنین امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «فَمَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَى زِيَارَتِي اسْتَجِيبَ دَعَائِهِ وَغُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۵۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴: ۵۶۲). در حدیثی از امام رضا علیه السلام روایت شده است: «أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي كُنْتُ أَنَا وَ أَبَايَ شَفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ كُنَّا شَفَعَاءَهُ نَجَى وَ لَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۶۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۶۱۱) هر کس مرا با غربت و دوری سرایم زیارت کند، من و پدرانم روز قیامت شفیعان او خواهیم بود و کسی که ما شفیع او باشیم، اگر چه به اندازه جن و انس گناه داشته باشد، گناهان او بخشیده خواهد شد.

اشاره به امام زمان علیه السلام در اشعار رضوی، بیان کننده بخشی از زوایای اعتقادی شاعران است. آل عصفور در ابیاتی در توسلات خود از تأخیر ظهور امام زمان علیه السلام به امام رضا علیه السلام

شکوه می‌کند:

۱. ولقد قصدتُك سیدی من بلدٍ

تشكو إليك فعالها وتقولُ

۲. هل صولة من أمرکم أو قولة

من عزمکم نحیی بها ونصولُ

۳. أين المرجی منکم فی یومکم؟

فالخطبُ صعبٌ والعناءُ يطولُ

(آل عصفور، ۲۰۰۷م: ۴۰)

۱. ای سرور من از کشوری به سوی تو آمده‌ام که کارهایش به تو شکوه می‌کند و می‌گوید؛ ۲. آیا قدرتی از کار شما است یا گفتاری از اراده شما است تا با آن زندگی کنیم و حمله کنیم؟؛ ۳. آن مورد انتظار (امام زمان) شما کجاست؟ کار سخت است و رنج و سختی طولانی شده است.

شاعر در این ابیات با اشاره به گسترش سختی و مشکلات در زندگی مردم کشورش با استفاده از ادات استفهام (هل، أين) از امام رضا (علیه السلام) درخواست می‌کند تا برای ظهور فرزندش امام زمان (علیه السلام) دعا کند؛ چرا که سختی‌ها طولانی شده است و مردم در رنج و سختی هستند. در اشعار رضوی، امام زمان (علیه السلام) بیش از آن که منتقم باشد، یک منجی است. آشفتگی اوضاع و ناامنی حاصل از فشار و ستم در جامعه، بی‌عدالتی، دین‌ستیزی و ... همواره عقیده به ظهور منجی را در میان مردم تشدید می‌کند. مردم امام عصر (علیه السلام) را پناهگاه خود در سختی‌ها یافته، از ستم‌های زمانه خسته شده و ملت‌مانه از امام رضا (علیه السلام) می‌خواهند برای ظهور امام زمان دعا کند و این همان چیزی است که بیت آخر به زیبایی به آن اشاره می‌کند.

پربسامدترین واژه‌های مربوط به توسل در اشعار شاعران معاصر عرب

الدَّاء	السَّاء	السَّاء	الضَّاء	وَجْهَهُمْ	جُدْتُمْ	الْفَضْلُ	يَدُ الْأَمَالِ
الْثَم	جوارِكم المرضى	نظرة اللطف	لا تُخْلِنِي	بابك	عَمَرْتَنِي	الْآلَاء	كَفَيْكَ
المرجى	القَبَّةُ النُّورَا	مُثْقَلًا بِالذَّنُوبِ	الرِّضَا	الهاوِيَّةُ	لِلْعَافِيَةِ	ذَخْرَا	ثَرَاكَ
اذاب	قذی بصری	امِنَ عَلٰی	لا یخِیب	فاقتی	شافعی	العناء	الخطبُ
الصفاء	عظیم النصب	دفعِ الْكُربِ	نائبات الزمانِ	تَخَلَّصْنِي	هَبْ	أَجْرَنِي	أَوْهَى

۳-۵. پاداش زیارت امام رضا (علیه السلام)

یکی از درون‌مایه‌های اشعار سروده شده دربارهٔ اهل بیت موضوع زیارت است. «اگر حتی یک روایت در فضیلت زیارت معصومان صادر نشده بود، ادب در برابر آنان، مؤمنان را وامی‌داشت تا به زیارت حرم‌های مطهرشان مشرف شوند و افزون بر عرض ارادت و شیفتگی خود از دریای معنویت بی‌بدیل و ناپیدا کرانهٔ آن‌ها، جرعه‌ها نوشند و روح خود را با نزدیک ساختن به آن ارواح بلند و بی‌نظیر شاداب سازند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۰).

شیخ احمد خلف آل عصفور زیارت امام رضا (علیه السلام) را ذخیره‌ای برای آخرت خود می‌داند و در این باره می‌سراید:

حَثَّتْ رِکَابِي قَاصِدًا لِرَحَابِ مَنْ

أَرِيدُ بِهِ ذَخْرًا وَارْجُوهُ لِلْآخِرِ

(آل عصفور، ۲۰۰۷ م: ۲۵)

مرکبم را به قصد زیارت حرم کسی که او را ذخیره‌ای برای خودم در آخرت می‌خواهم، به شتاب واداشتم.

عبد الصمد بن محمد باقر الخامنئی بهشت را پاداش زیارت امام رضا علیه السلام می‌داند و در این باره می‌سراید:

۱. أبا حسنٍ وابنَ الزَّكيِّ مُحَمَّدٍ

وَمَنْ هُوَ لِلزَّوَارِ فِي الْحَشْرِ دِيَانُ

۲. رَجُوتُ بِتَسْلِيمِي رِضَاءَكَ أَنَّهُ

رِضَاكَ بِتَسْلِيمِي مِنَ اللَّهِ رِضْوَانُ

(الخامنئی، ۱۴۱۴ ق: ۴۴)

۱. ای ابا حسن و ای پسر محمد، چه کسی پاداش دهنده زائران در قیامت است؛ ۲. با تسلیم شدنم رضایت تو را امید دارم، رضایت تو به تسلیم شدن من، از طرف خدا بهشت را به دنبال دارد.

الجِشِّي القطيفي غفران ورضوان الهی را پاداش زائرین امام رضا علیه السلام می‌داند:

۱. وَأَرَادَ الْأَعْدَاءُ إِطْفَاءَ نَوْرِ

مِنْكَ قَدْ عَمَّ سَاحَةَ الْإِمَّاكِنِ

۲. فَأَبَى اللَّهُ غَيْرَ إِتْمَامِ نَوْرِ

قَدْ تَجَلَّى بِهِ بِكُلِّ مَكَانٍ

۳. فَهَنِيئًا لِلزَّائِرِينَ مَقَامًا

هُوَ طُورُ الْغَفْرَانِ وَالرِّضْوَانِ

(الجِشِّي القطيفي، ۲۰۰۳ م: ۳۱۴)

۱. دشمنان خواستند نوری از تو را خاموش کنند که تمام عالم وجود را فرا گرفته است؛

۲. خدا جز اتمام نور تو را نپذیرفت نوری که در هر جایی تجلی یافته است؛ ۳. پس گوارای زائرین مقامی باشد که گاه آمرزش است و گاه بهشت است.

عبد الصمد الخامنئی امام رضا (علیه السلام) را در روز قیامت برای زائرانش دیان (بسیار پاداش دهنده) معرفی می کند و در ادامه پاداش تسلیم شدن در برابر دستورات امام را رضوان الهی (بهشت) می داند. در حدیث از امام جواد (علیه السلام) روایت شده است: «صَمْنْتُ لِمَنْ زَارَ أَبِي بطوس عَارِفًا بِحَقِّهِ الْجَنَّةَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۵۶؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۵۵۳) من ضامن بهشت برای کسی هستم که قبر پدرم را در طوس زیارت کند و حق او را بشناسد. الجِشَى القطیفی از غفران و بهشت به عنوان پاداش زائران امام رضا (علیه السلام) یاد می کند. امام جواد (علیه السلام) درباره پاداش زیارت قبر امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بطوسَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۵۸۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴: ۵۵۰؛ شعیری، ۱۳۶۳: ۳۲) هرکس قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خدا گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد. امام رضا (علیه السلام) درباره ثواب زیارت قبر خودش می فرماید: «مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي وَشَطَّ مَزَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أَخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَشِمَالًا وَعِنْدَ الصَّرَاطِ وَعِنْدَ الْمِيزَانِ» (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۱۹۵؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۸۵) هر کس مرا با دوری سرا و مقبره ام زیارت کند، روز قیامت در سه جایگاه او را در می یابم و از هول های رستاخیز می رهانم: آن گاه که نامه های اعمال از چپ و راست به انسان ها داده شود و به هنگام گذر از صراط و در برابر میزان.

الجِشَى القطیفی درباره شرافت قبر و گنبد امام رضا (علیه السلام) می سرايد:

۱. فله الحمد حيثُ مَنْ عَلِينَا

بحلولٍ في ساحةِ الرضوانِ

۲. ساحةٌ شُرُفت بجسمِ ابن موسى

فحوت فيه محكم الفرقانِ

۳. رَوْضَةٌ أَيْ رَوْضَةٌ قَدْ تَدَلَّتْ

ثَمَرَاتُ الْمَنَى بِهَا لِلْجَانِي

۴. هِيَ الْقَبَّةُ النُّورِ الَّتِي حَوَتْ الْهَدَى

وَكُنْزُ عُلُومِ اللَّهِ مُذْ حَوَتْ الرِّضَا

۵. قَبَّةٌ لِلرِّضَا حَوَتْ كُلَّ فَضْلٍ

إِنَّمَا الْفَضْلُ فِي الرِّضَا مُحْصُورٌ

۶. وَاسْتَمَدَّتْ مِنْهَا الْكَوَاكِبُ نُورًا

مَذْ حَوَتْ مَنْ لَهُ بِهِاءٌ وَنُورٌ

۷. قَبَّةٌ لِلْأَفْلَاقِ لَمْ تُبْقِ فَخْرًا

فَعَلِيَّهَا رَحَى الْوُجُودَ تَدَوَّرُ

(الجِشِّي القطيفي، ۲۰۰۳ م: ۳۱۳-۳۱۵)

۱. سپاس مخصوص اوست که با فرود آمدن در ساحت رضوان بر ما مَنّت گذاشت؛ ۲. جایی که با پیکر پسر موسی شرافت یافت و قرآن محکم را در آن گردآورد؛ ۳. عجب بهشتی که میوه‌های آرزو در آن برای چیننده نزدیک شده است؛ ۴. آن گنبد نورانی‌ای است که از زمانی که رضا را در بر گرفته است هدایت و گنج دانش‌های خدا را در بر گرفته است؛ ۵. گنبد رضا همه فضایل را در خود جای داده است بخشش فقط در امام رضا علیه السلام محصور است؛ ۶. از وقتی که این گنبد کسی را که ارزش و نور دارد را در بر گرفت ستارگان از آن طلب نور کردند؛ ۷. گنبدی که هیچ فخری را برای افلاک باقی نگذاشت و آسیاب هستی بر آن می‌چرخد.

شاعر در این ابیات شرافت طوس را به‌خاطر دفن شدن امام رضا علیه السلام در آن سرزمین

می‌داند؛ زیرا آن حضرت فرقان محکم و فرزند پیامبر و سید الأكوان مایه هدایت و گنجینه علوم است و به عبارت دیگر همه فضایل را دربردارد. شاعر در بیت چهارم از صنعت تشبیه بهره برده است و بارگاه امام رضا (علیه السلام) را به باغی تشبیه می‌کند که تمام میوه‌ها را در خود دارد و چیننده هر میوه‌ای را آرزو کند در دسترس او است. در این بیت نیز استعاره مکنیه نیز به کار رفته است (ثمرات المني) آرزو همچون باغی است که دارای میوه است. در بیت چهارم «النورا» در اصل «النوراء» بوده است که برای ضرورت شعری همزه آن حذف شده است. این بارگاه چنان نورانی است که ستارگان نیز از آن طلب نور می‌کنند و هیچ فخری برای دیگر افلاک باقی نگذاشته است و آسیاب وجود بر مدار آن می‌چرخد. در عبارت «رحی الوجود» تشبیه بلیغ است یعنی هستی همچون آسیابی است که می‌چرخد.

گاه شاعران دربارهٔ ازدحام زائران حرم امام رضا (علیه السلام) و مقایسه آن با حجاج خانه خدا شعر سروده‌اند. سید حسین بن سید محمد تقی طباطبائی مشهور به بحر العلوم (متولد ۱۳۴۷ ق) دربارهٔ ازدحام زائران قبر امام رضا (علیه السلام) و مقایسه آن با ازدحام حجاج خانه خدا چنین می‌سراید:

۱. فُجِّلْتُ كَأَنِّي بَبِيْتِ الْإِلَهِ

و كَعْبَتِهِ الْجَدُّ الْأَعْظَمُ

۲. تجول الوری حوله مثلما

يجول بأشواطه الْمُحَرَّمُ

۳. وتضرع أنفُسُهُم بالدعاءِ

إلى مصدرِ الخیرِ تسترحمُ

۴. سیول تدافع من مثلما

فهذی تمسّ وذی تهجمُ

۵. وفي مكة حجر واحد

يسابق بالشم إذ يزحم

۶. ولكن هنا في ضريح الإما

م أحجاره كلها تلثم

(طباطبائی، ۱۹۷۷ م: ۱۳۷)

۱. طواف کردم گویی که من در خانه خدا هستم و کعبه‌اش همچون قبر بزرگ است؛
۲. مردم اطراف قبر او طواف می‌کنند همان‌طور که محرم اطراف خانه خدا طواف می‌کنند؛
۳. و به سوی منبع خیر دعا و طلب رحمت می‌کنند؛
۴. جمعیت زیاد مردم همچون سیل‌هایی است که یکدیگر را فشار می‌دهند عده‌ای ضریح را لمس می‌کنند و عده‌ای حمله می‌کنند و فشار و هجوم می‌آورند؛
۵. در مکه یک سنگ است که در هنگام شلوغی برای بوسیدن آن از یکدیگر پیشی می‌گیرند؛
۶. ولی این جا در ضریح امام رضا (علیه السلام) همه سنگ‌هایش بوسیده می‌شود.

شاعر ضمن مقایسه تعداد زائران خانه خدا با زائران حرم امام رضا (علیه السلام)، تعداد زیاد زائران امام را به سیل خروشان تشبیه می‌کند که جای جای حرم را فرا گرفته است. او در ادامه بیان می‌کند اگر در مکه فقط یک حجر الأسود است که حاجیان برای تبرک آن را استلام می‌کنند و می‌بوسند در حرم امام رضا (علیه السلام) زائران تمام سنگ‌های حرم آن حضرت را می‌بوسند و متبرک می‌شوند. در حدیثی از امام موسی کاظم (علیه السلام) روایت شده است: «مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي عَلِيٍّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ كَسْبِعِينَ حَجَّةً مَبْرُورَةً.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴: ۵۵۰)؛ هرکس قبر فرزندم علی را زیارت کند نزد خدا ثواب هفتاد حج دارد.

پربسامدترین واژه‌های مربوط به پاداش زیارت در اشعار شاعران معاصر عرب

جوائز	الوفاد	نازحین	الزوار	رضاک	رضوان	شرفت	القبة النورا
علوم الله	سادة الاکوان	بهاء و نور	غریبا	الغفران	هنیئا	صفو عیش	الجنان
لطف الله	أجرا کبیرا	بیت الإله	ضریح	أفواجهم	تموج	سیول	نیل الرتب

۶. مرثیه‌ها

مرثیه ارتباطی تنگاتنگ با عواطف و تجربه‌های شاعر دارد. از عوامل مؤثر در توجه شاعران به رثا می‌توان به جوشش رثا از عمق قلب آدمی و صداقت و دوری از ریا و نداشتن انگیزه‌های مادی اشاره کرد. آن‌چه باعث تمایز مرثیه از دیگر فنون شعری شده، عاطفه و احساسی است که در سراسر آن موج می‌زند. «رثا در شعر عربی به بیان شرایط روحی، ابراز تحسّر و ناراحتی بر مرده، گریه بر فضایل و مناقب وی برای به تصویر کشیدن احساسات درونی او در برابر مرگ، اطلاق می‌شود» (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۸). آن‌چه در مرثیه‌های رضوی شاعران دیده می‌شود عبارتند از: ذکر هجرت اجباری امام رضا (علیه السلام) و بیان خیانت‌های مأمون، شیوه شهادت و غربت آن حضرت.

۶-۱. هجرت اجباری امام رضا (علیه السلام) و خیانت‌های مأمون

مهم‌ترین انگیزه‌های مأمون از هجرت اجباری و ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام) عبارتند از: فرونشاندن قیام‌های علویان، متهم کردن امام به ریاست‌طلبی، مشروعیت بخشیدن به خلافت خود از طریق امام، تحکیم خلافت خود و از سویی کم‌رنگ کردن شخصیت و محبوبیت امام رضا (علیه السلام)، جلب نظر ایرانیان، کنترل دقیق امام و جلب کردن عموم مردم به سوی نظام حکومتی (حر، ۱۳۸۳: ۱۰۶-۱۰۷). حال باتوجه به انگیزه‌هایی که بیان شد می‌توان گفت که الف: پذیرش ولایت‌عهدی مأمون از سوی امام رضا (علیه السلام) در شرایطی توأم با تهدید صورت گرفت؛ بنابراین امام به ناچار به ولایت‌عهدی مأمون تن در داد؛ ب: وجود امام در مقام یک شخصیتی علمی و معنوی برای مأمون خطرآفرین بود؛ از این‌رو باید

حرکت امام در جامعه کنترل می‌گشت؛ ج: جریان مطرح کردن ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام) یکی از مهم‌ترین شگردهای مأمون بود تا بدین ترتیب از مشکلاتش رهایی یابد؛ د: مأمون به‌ظاهر امام را تکریم می‌کرد؛ اما بر آن بود تا پس از مدتی با تحقیر کردن آن حضرت، او را بی‌لیاقت جلوه دهد. با توجه به آنچه ذکر شد، مأمون پس از مدتی دستور داد امام رضا (علیه السلام) را از مدینه به مرو منتقل کنند (همان: ۱۰۸). شاعران در مرثیه‌های خود به موضوع هجرت اجباری امام رضا (علیه السلام) و اهداف پلید مأمون از این هجرت و همچنین خیانت‌های مأمون اشاره کرده‌اند. الجِشِّي القطیفی در این باره می‌سراید:

۱. یا راحلاً یطوی القفار مُکرّهاً

نأی عن الأهل فأخلى الأربعا

۲. وعادَ فی طوسٍ غریباً نازحاً

عن حرم الله وجدّه معا

۳. قد حاولَ المأمونُ فی ازعاجه

إطفاء نورٍ منه قد تشعشعا

۴. فلم یزل یرقبُ فیهِ فرصَةً

حتّى حشا بالسموم قَطَعَا

۵. وأدرك الخائن بالغدر المني

فی سمّه والمسلمین أفجعا

(الجِشِّي القطیفی، ۲۰۰۳ م: ۳۱۹)

۱. ای مسافری که با اکراه و ناخوشی بیابان‌ها را می‌پیماید از خانواده دور شد و خانه‌ها را ترک کرد؛ ۲. غریبانه به توس درآمد و از خانه خدا و حرم جدش کوچ کرد؛ ۳. مأمون در

اذیت کردن او تلاش کرد تا نور درخشان او را خاموش کند؛ ۴. پس همواره منتظر فرصتی بود تا درونش را با سم تکه تکه کند؛ ۵. آن خائن با نیرنگ و از طریق سم دادن به او به آرزویش رسید و مسلمانان را داغدار کرد.

عبدالحسین الحویزی (متوفی ۱۳۷۷ ق) نیز دربارهٔ خیانت مأمون چنین می‌سراید:

۱. نصب الإمام ولی عهد بعده

ونفی خلافته لأهل الدین

۲. ما تلك إلا خدعة من رآيه

وخیانة منه لخير أمين

۳. ومن المدينة يوم اشخص شخصه

أبدى بطوس منه عهد خوون

۴. وغدا يفكر كيف يورده الردى

والأمر ممتنع عن التبیین

۵. بالسيف أم بالسهم يقتل غيلة

روح الوجود وعلة التكوين

(الحویزی، ۱۳۸۵ ق، ج ۲: ۱۴۴)

۱. امام را به عنوان ولی عهد بعد از خودش منصوب کرد و خلافتش را برای دینداران نفی کرد؛ ۲. این کار فقط نیرنگ او بود و خیانتی در حق بهترین امین بود؛ ۳. و روزی که از مدینه او را روانه طوس کرد خیانتش را آشکار کرد؛ ۴. فکر می‌کرد که چگونه او را بکشد درحالی‌که آشکار کردن این اقدام غیر ممکن بود؛ ۵. با شمشیر یا با سم و از طریق ترور روح وجود و سبب پیدایش را می‌کشد.

این شاعران در رثای خود با استفاده از کلماتی همچون (مکرهًا، قسرًا) به صراحت به هجرت اجباری امام رضا (علیه السلام) اشاره کرده‌اند؛ یعنی این که امام رضا (علیه السلام) از روی میل و اختیار از مدینه به سمت طوس هجرت نکرد. این شاعران در ضمن رثای خود به هجو مأمون نیز می‌پردازند و او را فردی خائن و ناپاک می‌شمارند و از خیانت او پرده برمی‌دارند (الخائن، الدعی، الغدر، الخدعة، الخيانة) همچنین از تلاش مرموزانه او برای به شهادت رساندن امام پرده برمی‌دارند (یرقب فرصة، إطفاء نور). حویزی با اشاره به این که ولی عهدی امام ظاهری بود به مکر مأمون اشاره می‌کند و می‌گوید: امام را به عنوان ولی عهد بعد از خودش منصوب کرد؛ ولی خلافتش را برای دینداران نفی کرد. در خصوص تحت فشار قرار گرفتن آن حضرت برای پذیرش ولایت عهدی آمده است: «چون امام رضا (علیه السلام) ولی عهد شد، شنیدم دست به آسمان برداشت و گفت: بار خدایا تو می‌دانی که من در فشارم و چاره‌ای ندارم از من مؤاخذه مکن چنان که از بنده ات و پیغمبرت یوسف برای ولایت مصر مؤاخذه نکردی که گرفتار آن شد» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۶۵۹). امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به سؤال ابن عرفه که «چه چیز شما را مجبور به پذیرش ولایت عهدی مأمون کرد، پاسخ داد: همان چیزی که جدّم امیر المؤمنین را واداشت که در شورای شش نفری شرکت کند» (حر، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

مأمون روزی از امام رضا (علیه السلام) برای خواندن نماز عید دعوت کرد؛ ولی وقتی استقبال گسترده مردم را دید بسیار ناراحت شد و به نفوذ امام حسادت ورزید؛ به همین خاطر مانع نماز خواندن امام شد، شیخ احمد بن الشیخ صالح بن طمعان القدیحی القطیفی (متوفی ۱۳۱۵ ق) به این حادثه تاریخی اشاره می‌کند:

۱. ولا تهنؤا بعید إذ به خرجت

نفس الرّضّاء من أذى المأمون ذی الکذب

۲. یصدّه عن صلاة العید فیہ علی

ما سنّه الله بعد الحث والطلب

۳. لکی یخجله بین الانام یابی الله

إلا ما ارتقاء عالی الرتب

(من علماء البحرين والقطیف، ۱۴۱۲ ق: ۲۹۶)

۱. به عیدی خوشحال نشوید هنگامی که رضا در آن از اذیت مأمون دروغگو خارج شد؛ ۲. بعد از تشویق و درخواستی که از او داشت مانع او می شود تا نماز عید را بخواند آن نمازی که خداوند آن را واجب کرده است؛ ۳. تا آبروی او را در میان مردم ببرد ولی خداوند خواسته است که رتبه او را بالا ببرد.

مأمون پس از این که امام رضا (علیه السلام) را مجبور به پذیرفتن ولایت عهدی خود کرد، درصدد برآمد تا با ترفندی، مردم حضور امام در دستگاه خلافت و دخالت ایشان در امور جاری را ببینند؛ از این رو از حضرت خواست که نماز عید را اقامه کند؛ اما امام به شروط خود مبنی بر دخالت نکردن در شئون حکومت اشاره کرد و از پذیرش آن خودداری کرد؛ ولی با اصرار پیوسته مأمون، امام گفتند من آن گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیر المؤمنین (علیه السلام) برای نماز عید بیرون می رفتند، بیرون خواهم رفت. مأمون نیز این شرط را پذیرفت در صبح آن روز، مردم برای دیدار امام بر سر راه ها و بالای بام ها نشسته بودند و زنان و کودکان نیز همگی بیرون آمده و چشم به راه آن حضرت بودند. امام پای برهنه در حالی که زیر جامه خود را تا نصف ساق پا بالا زده بود تکبیرگویان بیرون آمد و مردم نیز با او تکبیر گفتند و چنان صداها را به گریه بلند کردند که شهر مرو به لرزه درآمد. مأمون متوجه استقبال گسترده مردم از آن حضرت شد؛ به همین خاطر با ممانعت کردن از برگزاری نماز عید توسط امام سعی کرد به جایگاه امام ضربه بزند (مفید، ۱۳۵۱، ج ۲: ۲۵۶-۲۵۷)؛ ولی خدای متعال درجه او را بالا برد. شاعر ضمن اشاره به این واقعیت، به صفت دروغگو بودن مأمون (ذی الکذب) نیز اشاره کرده است.

شیخ جعفر هلالی (متوفی ۱۳۸۴ ق) نیز در رثای خود به ذم و سرزنش مأمون می پردازد و می سراید:

۱. أأبا الجواد وقد بليت بمحنة
- ما كان غيرك عندها يتصبر
۲. واجهتها ولأنت تعلم أنَّها
- غدر لطاغية الزمان يدبر
۳. أبدى لك المأمون منه سياسة
- إذراح يظهر عكس ما هو يظهر
۴. حيث ارتضاك ولى عهد خلافة
- زعمًا بأنك شخصها والأجدر
۵. وبأنه متشيع فى فعله
- هذا وأصبح للولاء يصور
۶. فسياسة المأمون فى منهاجها
- لم تختلف وهى السبيل المفكر
۷. وسياسة ملعونة وافى بها
- فعاها يهدأ وضعها المتوتر
۸. أترى الذى لأخيه وابن أبيه قد
- أودى سيحتضن الرضا ويؤمر
۹. حتّى إذا ما حققت أغراضه
- أمسى لقتل أبى جواد يدبر

۱۰. فاغتاله بالسّمِّ واتضح الذی

ما قد أراد وبانّ منه المضمّر

(الخَفَاف، ۱۴۳۱ ق: ۴-۷۳)

۱. ای ابا جواد گرفتار رنجی شده‌ای که غیر از تو نمی‌تواند برآن صبر کند؛ ۲. با رنجی روبه‌رو شده‌ای که مطمئناً تو می‌دانی که آن رنج نیرنگی از سوی طاغوت زمانه است که اداره می‌شود؛ ۳. مأمون سیاست بدی را برای تو آشکار کرد زیرا عکس آنچه را آشکار می‌کند برای تو آشکار کرد؛ ۴. هنگامی که تو را به پذیرش خلافت عهدی راضی کرد به این گمان که تو شایسته آن هستی؛ ۵. او در این اقدامش خود را به ظاهر شیعه تو قرار داد و اظهار دوستی کرد؛ ۶. سیاست مأمون در روش تفاوتی نداشت و این همان سیاست پیشینیان است؛ ۷. سیاست ملعونه‌ای که آن را انجام داد به این امید که وضعیت پریشان خود را آرام کند؛ ۸. آیا تو معتقد هستی کسی که برادر و پسر پدرش را کشت رضا را درآغوش گیرد و او را به حکومت برساند؟! ۹. هنگامی که اهدافش محقق شد به فکر کشتن ابا جواد افتاد؛ ۱۰. او را با سم ترور کرد و اینچنین خواسته او آشکار شد و آنچه را در درون پنهان کرده بود روشن شد.

شاعر در این ابیات با اشاره به تلاش دشمنان برای خاموش کردن نور امام رضا (علیه السلام) و دور کردن ایشان از حرم پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مدینه به رنج و مصیبت امام (علیه السلام) اشاره می‌کند و در ادامه به شخصیت پلید مأمون می‌پردازد و او را شخص سرکش زمانه (طاغیة الزمان) و دارای سیاستی دوگانه، ریاکار و تظاهر به شیعه بودن می‌داند؛ همچنین شاعر با برملا کردن سیاست ملعونه مأمون که تلاش می‌کند با به شهادت رساندن امام وضعیت متزلزل خود را نجات دهد به خائن بودن مأمون اشاره می‌کند و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا کسی که به برادر خودش رحم نکرد به امام رضا (علیه السلام) رحم می‌کند؟ و او را به حکومت می‌رساند؟ به همین خاطر با مسموم کردن ایشان اهداف پلیدش را آشکار کرد.

پربسامدترین واژه‌های مربوط به هجرت اجباری امام رضا علیه السلام و خیانت مأمون در اشعار شاعران معاصر عرب

راحلاً	یطوی	القفاز	مُکَرَّها	غریباً نازحاً	نأی	ازعاجه	إطفاء نور
قسراً	الدعی	جَهراً	الخائن	بالغدر	یرْقُبُ	خدعة	خیانة
خوون	غيلة	ملحد	آثم الید	لحاه الله	محنة	ذی الکذب	أذی المأمون
یصدّه	یخجله	العادة	عنوة	بلیت	اغتاله	طاغیة الزمان	سیاسة ملعونة

۶-۲. غربت و دوری از وطن

یکی دیگر موضوعاتی که شاعران معاصر عرب در اشعار رضوی خود به آن پرداخته‌اند موضوع غربت و دوری امام رضا علیه السلام از سرزمین اجدادی آن حضرت است:

قُتِلَتْ بِسَمِّ فِی دِیَارِ مُضِیْعَةٍ

غریباً ولم یندبک وُلْدٌ وإخوانُ

(الخامنئی، ۱۴۱۲ ق: ۴۷)

با سم در سرزمینی دور و غریب کشته شدی و هیچ فرزند و برادری برایت سوگواری نکرد.

واژه‌های «مضیعة و غریباً» بر غربت امام دلالت دارد؛ به همین خاطر از فرزندان و خویشان آن حضرت در هنگام شهادتش کسی حضور نداشتند تا در مصیبت او سوگواری کنند.

۱. یا غریباً بأرض طوسِ ترامت

بك أیدی النوی عن الأوطان

۲. أتیتُك مِن بُعدٍ وطرفٍ بصیرتی

لكم ناظرٌ لا یستمال إلى الغصّ

۳. أَتَيْتُكَ مِنْ بَعْدِ لِأَشْهَدُ مَشْهَدًا

به تهبط الأملاك بالأمر للأرض

(الجشی القطیفی، ۲۰۰۳ م: ۳۱۳-۳۱۴)

۱. ای غریب توس که دستان جدایی تو را از وطن دور کرد؛ ۲. از راه دور به سوی تو آمده‌ام و چشمانم همواره نظاره‌گر تو است و چشم فرو نمی‌بندم؛ ۳. از راه دور به سوی تو آمده‌ام تا شاهد مشهدی باشم که فرشتگان به خاطر او دستور فرود آمدن به زمین را دارند.

شاعر در ادامه می‌سراید:

۱. فَرَّقَ الدَّهْرُ شَمْلَهُمْ بَعْدَ جَمْعٍ

فی رُبِّی یثرب بکلِّ مکان

۲. أَيْنَ طَوْسٍ مِنْ يَثْرِبٍ إِذْ تَرَامَتْ

بابن موسی النوی عن الأوطان

۳. وَعَادَ فِي طَوْسٍ غَرِيبًا نَازًا

عن حرم الله وجده معا

(همان: ۱۹-۳۱۵)

۱. روزگار جمع آنان را بعد از جمع بودن آنان در مدینه پراکنده کرد؛ ۲. توس کجا و مدینه کجا هنگامی که پسر موسی را از سرزمین‌های [پدری] دور کرد؛ ۳. غریبانه به توس درآمد و از خانه خدا و حرم جدش کوچ کرد.

الخامنئی در شعر خود با استفاده از واژه‌هایی همچون «غریب، بعد، ترامت، النوی، آیین، نازح» به غریب بودن امام رضا علیه السلام و دوری او از وطن جدش و این که هیچ فرزند و برادری

بر او نگر نیست، اشاره می‌کند؛ القطفی نیز ضمن اشاره به غربت امام رضا علیه السلام و دوری او از مدینه به رفت و آمد فرشتگان به حرم آن حضرت با وجود غربت آن می‌پردازد. در این زمینه از امام رضا علیه السلام روایت شده است: «إِنَّ بِخِرَاسَانَ لَبُقْعَةً يَأْتِي عَلَيْهَا زَمَانٌ تَصِيرُ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ فَلَا يَزَالُ فَوْجٌ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَفَوْجٌ يَصْعَدُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴: ۵۶۷) در خراسان مکانی است که زمانی می‌آید که محل رفت و آمد فرشتگان می‌شود و همواره گروهی از آسمان فرود می‌آیند و گروهی بالا می‌روند.

پربسامدترین واژه‌های مربوط به غربت و دوری از وطن در اشعار شاعران معاصر عرب

دیار مُضِیْعَة	غریباً	ترامت	النوی	بُعْدٍ	فَرَقٌ	یثرب	طوس
أینَ	نازحاً	حرم الله	بعیدٌ	نائی	شملهم	مشهداً	

۳-۶. شیوه شهادت امام رضا علیه السلام

شاعران رضوی در بیان شیوه شهادت امام رضا علیه السلام به جزئیات شهادت آن حضرت اشاره می‌کنند. آنچه شاعران در زمینه شیوه شهادت امام رضا علیه السلام سروده‌اند موضوعاتی از قبیل شیوه شهادت آن حضرت به وسیله انگور یا انار مسموم، درد جانگاہ آن حضرت در لحظه شهادت است. در ترسیم صحنه شهادت آن حضرت، شاعران اغلب تعبیر و تصاویری صریح به کار برده‌اند؛ تعبیری که با حزن و اندوه درآمیخته شده است. مفهوم شهادت در قاموس لغت شاعران رضوی با هاله‌ای از تقدس همراه است و این امر ریشه در سرچشمه قرآنی این اشعار دارد؛ زیرا از نگاه اسلام و قرآن مرگ در راه خدا یک ارزش تلقی شده و شهدا دارای مقامات عالی معنوی هستند.

۱. تَفَتَّتِ الْأَكْبَادُ مِنْكَ وَبُضِعَتْ

وفی وجهک الوضاح للسمِّ ألوانُ

۲. تَخْطُ بِرَجْلِكَ التُّرَابَ وَتَلْتَوِي

كَأَنَّكَ سَلِيمٌ وَالْحَشَا مِنْكَ حِرَانُ

(الخامنئی، ۱۴۱۴ ق: ۴۷)

۱. جگرها به خاطر تو تکه تکه شد و رنگ چهره درخشان تو بر اثر این سم دگرگون شد؛ ۲. از درد با پاهایت در خاک خطوطی رسم می کنی و به خود می پیچی گویی که تو مارگزیده ای هستی و درونت از شدت تشنگی می سوزد.

شاعر در این ابیات برای بیان لحظه شهادت امام رضا (علیه السلام) از صنعت تشبیه استفاده می کند و چنین به تصویر می کشد که امام از شدت مسمومیت سم همچون انسان مارگزیده ای پاهای خود را بر روی زمین می کشید و درونش و جگرش از شدت سوزناکی این سم می سوزد و تکه تکه می شود. آنچه در شعر شاعر رضوی نمود دارد تعبیر حسی و ذوقی از شهادت امام رضا (علیه السلام) است، شاعر به بیان جزئیات شهادت آن حضرت می پردازد تا به رنج و اندوه ایشان و ظلم مأمون اشاره کند.

عبد الحسین شکر (متوفی ۱۲۸۵ ق) درباره مسموم کردن امام رضا (علیه السلام) با انگور و انار چنین می سراید:

۱. یَوْمَ بِهِ اضْحَى الرِّضَا مُتَجَرِّعًا

سُمًّا بِكَأْسِ عِدَاوَةٍ وَضَعُونَ

۲. جَعَلُوهُ فِي عَنَبٍ وَرَمَانٍ لَكِي

يَخْفَى عَلَى عَلَامٍ كُلِّ مَصُونٍ

(البلادی البهرانی، ۱۴۲۴ ق: ۳۳۹)

۱. روزی که رضا جام زهر دشمنی و کینه ها را جرعه جرعه نوشید؛ ۲. سم را در انگور و انار قرار دادند تا بر دانای هر پنهانی، مخفی ماند.

درباره چگونگی شهادت امام رضا علیه السلام بیشتر مورخان معتقدند که مأمون به ایشان زهر خورانیده است. صاحب کتاب مقاتل الطالبیین در این باره می‌نویسد: «حضرت رضا علیه السلام انگور را دوست می‌داشت؛ برای مسموم ساختن ایشان انگوری را گرفتند و در بیخ دانه‌های آن سوزن‌های زهرآلود زدند و چند روز آن سوزن‌ها به همان حال بود. آن گاه آن را بیرون آوردند و انگورها را به نزد ایشان بردند و آن حضرت از همان انگورها خورد و سبب قتل شهادت وی گردید و گفته‌اند این نوع زهر خوراندن ماهرانه‌ترین نوع آن است» (اصفهانی، بی‌تا: ۵۲۸).

الجشی القطیفی به مسموم کردن امام رضا علیه السلام و تظاهر دشمنان در تشییع ایشان اشاره می‌کند:

۱. قضی الرضا نائیا بالسّم فی عنبٍ

ظلمًا فضیحت له الأملاك والرُّسلُ

۲. الله أكبر سلطان العوالم فی

طوسٍ جنازته أعداؤه حملوا

۳. إن شیعته ففی إدراک منیتها

بقتله قد علاها البشر والجذلُ

(الجشی القطیفی، ۲۰۰۳ م: ۳۲۰)

۱. رضا غریب و دور از وطن با سم در انگور درگذشت. فرشتگان و پیامبران برای او ناله کردند؛ ۲. خدا بزرگ است سلطان جهانیان در طوس است و دشمنانش جنازه او را حمل کردند؛ ۳. هر چند او را تشییع کردند؛ ولی در دستیابی به آرزویشان در کشتن او شاد بودند. در ابیات متعددی شاعران به مسموم کردن امام رضا علیه السلام اشاره کرده‌اند، گاه بیان می‌کنند که مأمون آن حضرت را به وسیله انار مسموم کرد و به شهادت رساند و گاه

می‌گویند که به‌وسیله انگور او را مسموم کرد و به شهادت رساند. مأمون از این شیوه استفاده کرد تا آن حضرت را فریب دهد. القطیفی ضمن اشاره به غربت امام رضا (علیه السلام) و گریه فرشتگان و پیامبران بر آن حضرت بیان می‌کند که هرچند جنازه او را دشمنانش تشییع کردند؛ ولی در دل خوشحال بودند؛ زیرا به آرزوی خود یعنی شهادت امام (علیه السلام) رسیده بودند. صاحب مقاتل الطالبیین نیز در این باره می‌نویسد: مأمون بعد از به شهادت رساندن امام در اقدامی ظاهر سازانه و ریاکارانه بی‌تابی زیادی از خود نشان داد در تشییع جنازه آن حضرت شرکت کرد (اصفهانی، بی‌تا: ۵۲۹). آنچه در این جا مطرح می‌شود این است که همان‌طور که البلادی البحرانی، امام رضا (علیه السلام) را دانای هر نهانی می‌داند (علام کُلِّ مَصُون) چگونه این سم بر حضرت مخفی ماند و متوجه آن نشد؟! القطیفی با نگاهی شاعرانه به آن پاسخ می‌دهد و می‌گوید سم دادن به امام رضا (علیه السلام) مخفیانه بود؛ ولی از آن جا که امام، نور الهی را دیده بود به سم توجهی نداشت:

۱. فأذاقوه منقَع السمِّ سرًّا

إذ دنت منه رحلةً للجنان

۲. أَو لَمْ تَدْرِ بِالذِّى لَكَ أَخْفَى

مِنْ دَعَا فِ السَّمُومِ أَخْبَثْ جَانِى

۳. أَخْشَيْتِ الْعَدُوَّ إِذْ لَا مَعِيْنَ

وَأَحْشَيْكَ أَنْ تُدَلَّ لَشَانِى

۴. أَمْ تَجَلَّى مَجْدُ الْإِلَهِ تَعَالَى

لَكَ فِ طُورِ سَاحَةِ الرِّضْوَانِ

۵. وَمَحَامِجُهُ الْحَقَائِقُ لَمَّا

أَنْ تَجَلَّى بِنُورِهِ الشَّعْشَعَانِ

۶. وجرى نافذ المشيئة شوقاً

للقاء الحبيب عن إذعان

(الجشّي القطيفي، ۲۰۰۳ م: ۳۱۷)

۱. سم کشنده را مخفیانه به او چشاندند، هنگامی که رفتن به بهشت به او نزدیک شد
سم را پنهانی به او چشاندند؛ ۲. آیا متوجه نشدی که خبیث‌ترین جنایتکار سم کشنده
را برای تو مخفی کرد؟؛ ۳. آیا هنگامی که هیچ یآوری نیست از دشمن ترسیدی؟ من
بعید می‌دانم که تو در برابر کسی که تو را دشمن می‌داند تسلیم شوی؛ ۴. یا بزرگی
خدا برای تو در ساحت رضوان نمایان شد؛ ۵. بزرگی او حقایق را از بین برد هنگامی که
با نور درخشانش نمایان شد؛ ۶. آن کسی که هر چه اراده کند انجام می‌دهد با شوق و
خاضعانه به دیدار دوست (خدا) شتافت.

در این ابیات شاعر چند سؤال را مطرح می‌کند: آیا امام از خیانت مأمون در مسموم
کردن او آگاه نبود؟ آیا امام چون یآوری نداشت تسلیم مکر مأمون شد؟ خود شاعر در
ادامه پاسخ می‌دهد که امام از آن جا که نور عظمت حق را دیده بود این نور الهی دیگر
حقایق را از بین برد و امام متوجه آن سم نشد و مشتاقانه به سوی دیدار با خدای متعال
شتافت.

۶-۳-۱. استفاده از عناصر طبیعی در رثاء

سخن گفتن از اندوه عناصر طبیعی در مصیبت شهادت امام رضا (علیه السلام)، پدیده‌ای فراگیر در
میان شاعران رضوی است.

۱. فيا فقيداً ففده أبكى شجاً

عين الهدى والكائنات أجمعا

۲. لَا غُرُوءَ إِنْ دَجَّتِ الْأَكْوَانُ إِذْ حُجِبَتْ

شمسُ الشَّمْسِ وهل يلفي له بَدَلُ

۳. فَلْتَغِبْ أُنْجَمُ الْهَدَايَةِ لَمَّا

كَسَفَتْ شَمْسَهُ صُرُوفُ الزَّمَانِ

(الجَنَشِيُّ القَطِيفِيُّ، ۲۰۰۳ م: ۳۱۸-۳۲۰)

۱. ای ازدست رفته‌ای که چشم هدایت و کائنات همگی برایت گریستند؛ ۲. شگفت نیست که هنگامی که خورشید خورشیدها پنهان شد جهان در تاریکی فرو رفت و سیاه‌پوش شد و آیا جایگزینی برای آن یافت می‌شود؟؛ ۳. ستارگان هدایت باید غروب کنند هنگامی که سختی‌ها و حوادث روزگار خورشید وجود او را به کسوف برد.

شاعر در این ابیات برای این که عظمت مصیبت شهادت امام رضا (علیه السلام) را به تصویر بکشد از عناصر طبیعی همچون عین الهدی، کائنات، اکوان، أنجم الهداية، صُرُوف الزمان بهره می‌گیرد و به زیبایی بیان می‌کند که در شهادت آن حضرت، کائنات گریستند و هستی در تاریکی فرو رفت و در این مصیبت باید ستارگان هدایت پنهان شوند.

فَأُضْحَتْ لَهُ الْأَكْوَانُ سُودًا كَأَنَّمَا

تَجَلْبَبُ فِي قَطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ أَسْوَدَ

(ابن الشیخ آل ماجد، ۲۰۰۲ م: ۲۹۱)

جهانیان سیاه‌پوش شدند گویی که تکه‌ای از شب سیاه را پوشیده‌اند.

شاعر در این جا «الأكوان» را به انسانی تشبیه کرده است که در مرگ عزیزش لباس سیاه به تن کرده است و «رنگ سیاه نمایانگر مرزهای مطلق است که در پشت آن‌ها زندگی متوقف می‌شود.» (لوچر، ۱۳۶۹: ۹۷). در حقیقت هستی و جهان در مصیبت شهادت امام رضا (علیه السلام) سیاه‌پوش شد آنچنان غم‌اندوه جهان را فرا گرفت که گویی لباس سیاهی

همچون شب تاریک را بر تن کرده است و گویی این جهان برایش تمام شده است.

پربسامدترین واژه‌های مربوط به شهادت امام رضا (علیه السلام) در اشعار شاعران معاصر عرب

تَقَتَّتِ	الأكبادُ	بُضَعَت	السَّم	تلتوی	الحران	سليم	قَطَعَ
أحشا	كأسِ عداوةٍ	ضغونٍ	عَنَبٍ	رمانٍ	ظلمًا	ضجّت	جنازته
أخبث	جانی	تَجَلَّى	أبکی	الكائنات	دَجَّتِ	الأکوانُ	فلتَغِب
سودًا	أنجمُ الهداية	تجلبب	أذاقوه	الأملاك	الرُّسُلُ		

۷. نتیجه‌گیری

با بررسی اشعار رضوی شاعران معاصر عرب می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین درون‌مایه‌های شاعران این دوره به دو دسته مدایح و مرثیه‌ها تقسیم می‌شود؛ مدایح این شاعران از نوع مدایح صادقانه و برخلاف دیگر شاعران به دور از نسیب و غزل است. شاعران در مدایح خود به موضوعاتی همچون بررسی شخصیت معنوی امام رضا (علیه السلام)، توسل و ثواب زیارت امام رضا (علیه السلام) می‌پردازند. شاعران در توسلات خود از امام رضا (علیه السلام) شفای بیماران، آمرزش گناهان، رهایی از آتش جهنم، تعجیل در ظهور امام زمان (علیه السلام) را درخواست می‌کنند. در زمینه زیارت قبر امام رضا (علیه السلام) شاعران این دوره زیارت قبر آن حضرت را ذخیره‌ای برای آخرت و سبب ورود به بهشت و غفران و رضوان الهی می‌دانند؛ همچنین در این قسمت به مقایسه زائران قبر امام رضا (علیه السلام) و حجاج خانه خدا می‌پردازند. از نگاه شاعران، امام رضا (علیه السلام) از چنان مقامی برخوردار است که عقل از درک آن عاجز است. امام رضا (علیه السلام) را مظهر ذات حق تعالی می‌دانند و از نگاه آنان، آن حضرت گنجینه اسرار، حجت و برهان الهی، باب الله و سرور کائنات است؛ همچنین تقوی و هدایت و بخشش و نیکی و اجداد پاک از مهم‌ترین خصال معنوی آن حضرت است. در مدایح شاعران از پرداختن به توصیفات ظاهری امام رضا (علیه السلام) اجتناب کرده‌اند. شاعران رضوی در مرثیه‌های خود درباره شهادت امام رضا (علیه السلام) به شیوه شهادت و مسموم کردن آن حضرت، درد جانکاه آن حضرت در هنگام شهادت، غربت او شعر سروده‌اند؛ همچنین به موضوع هجرت اجباری

امام رضا (علیه السلام) و سیاست خبیثانه مأمون و تلاش او برای خاموش کردن نور هدایت امام و بیان برخی حوادث تاریخی می‌پردازند؛ از ویژگی‌های مهم اشعار رضوی اقتباس از آیات قرآن کریم و روایات است. شاعران معاصر عرب برای بیان اغراض خود از عناصر طبیعی همچون دریاها، ستاره‌ها، خورشید، فرقدان، کوه خرد، مار به زیبایی کمک می‌گیرند.

منابع و مآخذ

- آل عصفور، الشیخ احمد بن الشیخ خلف. (۲۰۰۷ م). *طموح النفس*. جمع و تحقیق محمود طرادة. ط ۱. قم: منشورات دار التفسیر.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ ق). *عیون أخبار الرضا*. انتشارات جهان.
- _____ (۱۳۶۲). *الأمالی*. انتشارات کتابخانه اسلامی.
- ابن حبان، ابو حاتم محمد. (۱۳۹۳ ق). *الثقات*. حیدرآباد هند: مؤسسة الكتب الثقافية.
- ابن الشیخ آل ماجد، الملاح حسن. (۲۰۰۲ م). *دیوان دیک العرش*. تحقیق سالم عبد الله النویدری. المنامة: مكتبة فخرآوی.
- الأحسانی، احمد بن زین الدین. (۲۰۰۳ م). *دیوان الشیخ الأوحده الأحسانی*. تحقیق و تعلیق راضی ناصر السلیمان. بیروت: مؤسسة البلاغ.
- اصفهانی، ابوالفرج. (بی تا). *مقاتل الطالبیین*. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: نشر صدوق.
- امین عاملی، سید محسن. (۱۳۰۴ ق). *أعیان الشیعة*. بیروت: دار التعارف.
- انصاری، نرگس. (۱۳۸۹). *عاشورا در آئینه شعر معاصر*. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- البلاذی البحرانی، حسین علی. (۱۴۲۴ ق). *ریاض المدح والثناء*. ط ۳. بغداد: انتشارات المكتبة الحیدریة.
- الحشّی القطیفی، علی بن حسن. (۲۰۰۳ م). *دیوان العلامة الحشّی*. بیروت: مؤسسة الهدایة.
- چناری، علی اکبر؛ احمدی، پریسا. (۱۳۹۴). «سیمای امام رضا (علیه السلام) در آینه شعر دعبل خزاعی و نظیری نیشابوری». *کاوش نامه ادبیات تطبیقی*. سال پنجم. ش ۲۰. صص: ۱-۱۷.
- حر، سید حسین. (۱۳۸۳). *امام رضا (علیه السلام) و ایران*. قم: دفتر نشر معارف.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البیت.
- _____ (بی تا). *أمل الآمل فی علماء جبل عامل*. تحقیق احمد حسینی اشکوری. بغداد: مكتبة الأندلس.
- حسینی، سید علی. (۱۳۸۶). «فرهنگ و ارزش فضیلت و پاداش زیارت امام رضا (علیه السلام)». *مجله فرهنگ جهاد*. ش ۵۰. صص: ۴۹-۲.
- الحلی، السید حیدر. (۲۰۱۱ م). *دیوان السید حیدر الحلی*. تحقیق الدكتور مُصّر سلیمان الحلی. بیروت: شركة الأعلمی للمطبوعات.
- الحویزی، عبد الحسین. (۱۳۸۵ ق). *دیوان الحویزی*. تحقیق حمید مجید هدو. نجف: مطبعة النجف الأشرف.
- الخاقانی، علی. (۱۴۰۸ ق). *شعراء الغری*. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
- الخامنّی، عبد الصمد بن محمد باقر. (۱۴۱۴ ق). *مقتطفات من دیوان أديب العلماء الشیخ عبد الصمد بن محمد باقر الخامنّی*. إعداد و تقدیم جعفر السبحانی. قم: مؤسسة الإمام الصادق.
- الخفاف، اسماعیل الحاج عبدالرحیم. (۱۴۳۱ ق). *الإمام الكاظم و ذراریه*. تحقیق حمید مجید هدو. العتبة الكاظمیة المقدّسة.
- رزمجو، حسین. (۱۳۷۴). *انواع ادبی*. تهران: آستان قدس.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۳). *شعری دروغ شعری نقاب*. چاپ چهارم. تهران: جاویدان.
- سبحانی، جعفر. (بی تا). *اصول عقاید اسلامی و نگاه‌ی به زندگانی پیشوایان معصوم (علیهم السلام)*. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).

- شاه‌رخ‌ی شهرکی، فرنگیس؛ بیگزاده، خلیل؛ صادقی، اسماعیل. (۱۳۹۶). «خوانش رابطه بینامتنی شعر رضوی معاصر و قرآن». فصلنامه فرهنگ رضوی. سال پنجم. ش ۱۸. صص: ۱۱۷-۱۴۴.
- شعیری، تاج‌الدین. (۱۳۶۳). جامع‌الأخبار. قم: انتشارات رضی.
- الطباطبائی، سید حسین بن محمد تقی. (۱۹۷۷ م). زورق‌الخیال. بیروت: دار الزهراء للطباعة والنشر.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵). تهذیب‌الأحكام. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). کتاب‌العین. ط ۲. مؤسسه دارالهجرة.
- فضل‌الله، محمدجواد. (۱۳۷۷). تحلیلی از زندگانی امام‌رضا (علیه‌السلام). ترجمه سید محمد صادق عارف. مشهد: آستان قدس رضوی.
- فلاح، ابراهیم. (۱۳۹۰). «سیمای امام‌رضا (علیه‌السلام) در اشعار شعرای شیعی معاصرش». مجله دانشنامه. دوره ۴. ش ۷۹. صص: ۸۲-۷۱.
- الکاظمی، الشیخ جابر. (۱۳۸۴ ق). دیوان‌الشیخ جابر الکاظمی. تحقیق الشیخ محمد حسن آل یاسین. بغداد: منشورات المكتبة العلمية.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- لوچر، ماکس. (۱۳۶۹). روانشناسی و رنگها. مترجم: منیر وروانی‌پور. چ ۲. تهران: آفرینش.
- مفید، محمد بن محمد نعمان. (۱۴۱۳ ق). کتاب‌المزار. قم: کنگره شیخ مفید.
- _____ (۱۳۵۱). الإرشاد. ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی. تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۹). توسل: توحید یا شرک؟. قم: انتشارات امام علی (علیه‌السلام).
- من علماء البحرین و القطیف. (۱۴۱۲ ق). مجموعه وفيات الأئمة (علیهم‌السلام). قم: منشورات شریف الرضی.
- الوائلی، احمد. (۲۰۰۷ م). دیوان‌الوائلی. شرح و تدقیق سمیر شیخ الأرض. بیروت: مؤسسة البلاغ.
- یلمه‌ها، احمد رضا؛ ولی محمدآبادی، مهدیه. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی مباحث رضوی در شعر عربی و فارسی از ابتدا تا پایان قرن دهم». کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی. سال پنجم. ش ۲۰. صص: ۱۰۳-۱۲۱.